

ترجمہ محمود مرادی

ہاروکی موراکامی



فهرست

۷	در باره نویسنده
۱۱	خلیج هانالی
۴۱	خرچنگ‌ها
۴۹	یک روز مناسب برای کانگوروها
۵۷	نفر هفتم
۷۷	آینه
۸۵	دختر تولد
۱۰۵	ظهور و سقوط کیک‌های شاریبی
۱۱۳	حشره شبتاب

در باره نویسنده

هاروکی موراکامی، نویسنده ژاپنی به سال ۱۹۴۹ در کیوتو به دنیا آمد و از ۱۹۷۴ شروع به نوشتن کرد. وی تاکنون دو مجموعه داستان و رمان‌های متعددی منتشر کرده است. شاید بتوان دلیل موفقیت موراکامی را جسارتش در نوشتن داستان‌هایی متفاوت دانست. بیش‌تر نویسندگان پس از یافتن زبان یا سبک خاص خودشان در تمام داستان‌هایشان آن را پی می‌گیرند. شاید این کار منطقی باشد و نویسنده را از خطر کردن و جستجوی راه‌ها و تجربه‌های تازه بی‌نیاز کند. اما این جستجوی مستمر بدل به بخشی از نوشته‌های موراکامی شده است و یکی از ویژگی‌های سبک انحصاری او در نوشتن به‌شمار می‌رود. کم‌تر نویسنده‌ای پس از دستیابی به شهرت و جایگاهی والا، باز هم به آزمودن راه‌های تازه می‌اندیشد.

موراکامی در مقدمه نسخه انگلیسی کتاب *بید نابینا*، بانوی خفته^۱ می‌نویسد: «اگر بخوام در باره نوشتن رمان و داستان کوتاه ساده سخن بگویم، خواهم گفت نوشتن رمان یک چالش و نوشتن داستان کوتاه یک لذت است. اگر نوشتن رمان مثل کاشتن یک جنگل باشد، نوشتن داستان کوتاه به کاشتن یک باغچه می‌ماند. این دو یکدیگر را کامل می‌کنند و منظره‌ای حقیقی به وجود می‌آورند که برای من خیلی با ارزش است. در این چشم‌انداز شاخ و برگ‌های

1. *Blind Willow, Sleeping Woman*

درختان، سایه‌های دلپذیری روی زمین می‌اندازد و وزش باد برگ‌های طلایی‌رنگ درخشان را تکان می‌دهد و در همان حال غنچه‌ها در باغ‌ها ظاهر می‌شوند و گلبرگ‌های رنگارنگ، پروانه‌ها و زنبورها را به طرف خود می‌کشاند و ما را به یاد تغییر نامحسوس، از فصلی به فصل دیگر می‌اندازند.»

موراکامی وجه تمایز دیگری نیز با بیش‌تر نویسندگان امروزی دارد؛ او در هر دو زمینه داستان کوتاه و رمان نویسنده موفقی است. بیش‌تر رمان‌نویسان موفق، داستان کوتاه را کنار می‌گذارند و نویسندگانی هم که در عرصه داستان کوتاه به موفقیت رسیده‌اند، کم‌تر سراغ نوشتن رمان می‌روند.

موراکامی در این باره می‌نویسد:^۱

«از ۱۹۷۹ که نوشتن را شروع کرده‌ام، همواره مابین نوشتن رمان و داستان کوتاه در رفت و آمد بوده‌ام: وقتی رمانی را تمام می‌کنم به این فکر می‌افتم که باید چند داستان کوتاه بنویسم و وقتی تعدادی داستان کوتاه نوشتم، حس می‌کنم باید روی نوشتن یک رمان تمرکز کنم. در حال نوشتن رمان هیچ‌وقت داستان کوتاه نمی‌نویسم و هنگام کار روی داستان کوتاه، هرگز رمان نمی‌نویسم. هرکدام از این‌ها بخش‌های متفاوتی از ذهنم را درگیر خود می‌کنند و خروج از یکی و رفتن به دیگری زمان می‌برد.»

در ادامه نیز می‌نویسد:

«یکی از خوبی‌های نوشتن داستان کوتاه آن است که زود تمام می‌شود. رساندن یک داستان کوتاه به شکل مناسب معمولاً یک هفته‌ای برایم طول می‌کشد. (هرچند بازنویسی‌ها هیچ پایانی ندارند.) مثل تعهد جسمی و ذهنی‌ات به رمان نیست که حتماً یکی دو ساله تمامش کنی. وارد اتاق می‌شوی، کارت را تمام می‌کنی و بیرون می‌روی، همین. نوشتن یک رمان، برایم چنین به نظر می‌رسد که گویی تا ابد طول خواهد کشید. گاهی وقت‌ها هم اصلاً نمی‌دانم که جان به در می‌برم یا نه. برای همین هم نوشتن داستان کوتاه برایم یک تغییر مسیر ضروری است.»

۱. برگرفته از مقدمه کتاب بید نابینا، بانوی خفته.

او در باره نظر خوانندگان داستان‌های کوتاهش می‌گوید:

«من اساساً رمان‌نویسم. اما خیلی‌ها هم می‌گویند داستان‌های کوتاه‌م را به رمان‌هایم ترجیح می‌دهند. این حرف ناراحت‌م نمی‌کند و نمی‌خواهم متقاعدشان کنم که این‌طور نیست. در حقیقت از شنیدن این حرف خوشحالم...»

موراکامی علاوه بر دو مجموعه داستان کوتاه، رمان‌های زیادی نوشته است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

جنوب مرز، غرب خورشید^۱

به دنبال گوسفند وحشی^۲

جنگل نروژی^۳

گاشمار پرنده کوکی^۴

کافکا در کرانه^۵

پس از تاریکی^۶

IQ84

1. *South of the Border, West of the Sun*

2. *A Wild Sheep Chase*

3. *Norwegian Wood*

4. *The Wind-Up Bird chronicle*

5. *Kafka on the Shore*

6. *After Dark*